

گونه‌شناسی کالبدی-ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی-تکاملی (مدرسه موراتوری)

محمد دانا سالم*، فرامرز حسن‌پور**، امید دژدار***

1397/03/04

تاریخ دریافت مقاله:

1397/06/13

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

هرچند بخش‌های کردنشین غرب ایران تاریخی دیرینه دارد ولی تاکنون لایه‌های پنهان معماری به‌ظاهر ساده آن‌ها به‌صورت دقیق بررسی نشده است. در گفتمان معماری معاصر رویکردهای گوناگونی در پی تداوم سنت‌های بومی‌اند که از این میان نگرش تاریخی-تکاملی (گونه‌شناسی) نگرش‌ها و اصولی برای شناخت عوامل کالبدی و ذهنی معماری حتی در مقیاس منطقه در خود دارد. کاربری این نگره بستری درخور برای چگونگی تداوم ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی و پیوند کالبد معماری با بستر منطقه به دست می‌دهد. این پژوهش کوششی است برای شناخت و گونه‌شناسی مسکن بومی مناطق غرب کردستان. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز شناخت عناصر و مفاهیم این گونه‌ها است، آن‌گونه که کاربری این مفاهیم در کنار نیازهای جدید ساکنان الهام‌بخش معماران و طراحان منطقه در ساخت‌های روستایی و شهری باشد. این پژوهش میدانی است و برای بررسی عوامل کالبدی روش گونه‌شناسی (قیاسی-کاهشی) را به کار بسته است. نخست داده‌ها از میان حدود یک‌صد سکونتگاه کوهستانی در غرب کردستان با پیمایش میدانی گردآوری و دسته‌بندی شد. سپس کروکی و مدل‌های سه‌بعدی ترسیم و در روند گونه‌شناسی بررسی شدند. نتیجه این پژوهش چهار گونه معماری در مقیاس بنا را در این سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد. گونه نخست که فراوانی بیشتری دارد مکعب مستطیل شکل است و بدون حیاط که معمولاً سه طبقه دارد. گونه دوم نیز حیاط ندارد اما پلکانی است. معماری این دوگونه برون‌گرا است. ساختمان‌های گونه سوم از دو گونه پیشین بزرگ‌تر است با حیاطی بزرگ. گونه چهارم "L" شکل است و حیاطی کوچک و فرعی دارد. معماری نیمه برون‌گرا ویژگی این دوگونه است. انواع فضاهای جمعی (بربان، بانچه، تراس، دالان و بام حیاط) رنگارنگی فضاهای درونی و بیرونی همپای طبیعت، پیوند با طبیعت، توجه به حس‌ها و بهره‌وری از تکنولوژی‌های نو و درخور منطقه بهترین راهنمای طراحان در این مکان‌ها است.

کلمات کلیدی: گونه‌شناسی، مسکن بومی، نگره تاریخی-تکاملی، موراتوری، کردستان.

* دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

** استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، ایران. fhassanpour@uoz.ac.ir

*** استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد دانا سالم در دانشکده مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان با عنوان گونه‌شناسی مسکن بومی مناطق کردنشین غرب کشور با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی است که با راهنمایی دکتر فرامرز حسن‌پور و مشاوره دکتر امید دژدار به انجام رسیده است.

مقدمه

در دو قرن اخیر مفاهیم و شیوه زندگی آدمی دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. صنعتی‌سازی، مواد ساختمانی نو، مدرنیته و مدرنیزاسیون سبب پیدایش الگوهای مختلف ساخت‌وساز و طراحی جامعه-شهر شده است. جهانی شدن در معماری به عملگرایی انجامید که در نقاط مختلف جهان بی‌توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی و محیطی منطقه بناهای یکسان می‌ساخت (مهدوی‌نژاد، 1392: 61؛ حبیب و اکرم 1389: 29) و بحران هویت، افزایش مصرف انرژی و تخریب محیط زیست را در پی داشت. عامل مخرب دیگر، نگرش افراطی و خوش‌بینانه به استفاده از تکنولوژی بود (Doshi, 1985: 90) همه این‌ها در روستاها، شهرک‌ها و شهرهایی رخ می‌دهد که میراث فرهنگی پرباری دارند. امروزه در روستاها معماری واحدهای مسکونی با الگوهای بومی تفاوت بسیار دارد و بیش از آنکه روستایی باشد مانند ساخته‌های جدید شهری است (سرتیپی‌پور، 1388: 16) در معماری معاصر ایران ارتباط با پیشینه معماری و هویت ایرانی دچار بحران و نقصان شده است (نقی‌زاده، 1390: 74). مطالعه و تحقیق دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که نادیده گرفتن تنوع فرهنگ‌های معماری انسانی، مخرب و زیانبار است. مطالعات مختلف در مورد معماری بومی ایران نشان داده است که معماری بومی با عناصر مشخص خود در هر منطقه (از قبیل ایوان، سایبان، غلام‌گردش و غیره) محدودیات اقلیمی و فرهنگی هر منطقه را پاسخگو است (Kasmaei, 1993; Ghobadian, 1996 & Pourvahidi, 2010).

در ادبیات معماری معاصر، رویکردهای مختلفی در پی پیوند معماری و زمینه‌اند: نگرش تاریخی-تکاملی،

نظریه روح مکان (Genius Luci)؛ زمینه‌گرایی، سنت‌گرایی و سنت‌گرایی جدید، بومی‌گرایی و بومی‌گرایی جدید، تصویرگرایی، انسان‌گرایی، منطقه‌گرایی و... (شایان و کامل‌نیا، 1387: 10). از این میان نگرش تاریخی-تکاملی در تلاش برای پاسداری معماری دیروز و تداوم آن تا امروز اصولی برای شناخت عناصر کالبدی و ذهنی معماری منطقه به دست می‌دهد و بنیادش بر گونه‌هاست. در گونه‌شناسی، معماری از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، روحی و ذهنی آدمیان و نیز ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی منطقه بهره می‌برد تا بنا جایی ویژه شود (مکان و قرار یابد) و با محیط و تاریخ پیوند یابد. این‌ها در معماری برای هویت‌یابی اهمیت فراوان دارد؛ به‌ویژه در کشور ما که دغدغه‌های هویتی در معماری پر رنگ است (طوسی و فیض‌آبادی، 1395: 2).

هرچند بخش‌های کردنشین غرب ایران تاریخی دیرینه دارد ولی تاکنون لایه‌های پنهان معماری به‌ظاهر ساده آنجا موشکافانه واریسی نشده است. بررسی گونه‌شناختی سکونتگاه‌های مناطق غرب کردستان با رویکرد تاریخی-تکاملی در این پژوهش موضوع تحلیل و بررسی است.

اهداف تحقیق

- معرفی عناصر و مفاهیم گونه‌های با ارزش منطقه بگونه‌ای که کاربرد آن‌ها در کنار نیازهای جدید ساکنان، الهام بخش معماران و طراحان منطقه در طراحی‌های روستایی و شهری باشد.

- با از میان رفتن الگوهای اصیل منطقه، مستندسازی گونه‌های مسکونی هدف دیگر است.

پیشینه تحقیق

معماری غرب ایران در پژوهش‌های سالیان مهجور مانده و به نسبت مناطق مرکزی کمتر مورد توجه بوده،

خانه‌ها به سه گونه براساس شکل سقف به معرفی ارزش‌های معماری سنتی به‌عنوان پارادایمی مناسب برای نوآوری معماری معاصر پرداخته‌اند. مامون رشید و همکاران³ (2015) نیز، در پژوهشی در معماری بومی جنوب آسیا با بررسی گونه‌های محلی براساس دو مفهوم توجه به شرایط زیست محیطی و تکنولوژی بومی به تطبیق‌پذیری کامل مفاهیم سنتی و معاصر پرداخته‌اند.

مبانی نظری

مباحث بیشتر صاحب‌نظران مدرسه موراتوری [نگره تاریخی-تکاملی] و دیگر پیروان آن‌ها با نظریه بحران هویت در معماری معاصر آغاز می‌شود. به نظر آن‌ها بحران معماری در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی حکمفرماست. دو ویژگی مهم "فردگرایی" و "مصرف‌گرایی" و از دست دادن جنبه‌های اجتماعی ریشه‌های این بحران معرفی شده‌اند (معماریان، غلام‌حسین، 1384، 180 - 181).

فردگرایی سبب گسستن از تاریخ و اصیل دانستن آثار صرفاً متفاوت است و این دو در معماری بخش‌های بحران‌زده امروز کردستان جلوه‌نماست. از نظر مدرسه موراتوری بحران تنها در طراحی معماری نیست بلکه اگر از یک معمار بخواهیم معماری گذشته را بخواند در خواهد ماند. کلید نظر موراتوری‌ها را باید در خواندن معماری جستجو کرد. به نظر آن‌ها "خواندن" درست معماری به "ساختن" درست معماری رهنمون می‌شود. خواندن آن چیزی است که در آن پیوستگی و همارگی دیده می‌شود و ما را به تفکر و پیوستگی و همارگی سوق می‌دهد (همان، 183).

راه حل موراتوری‌ها برای مشکل گسست در معماری، بازگشت به همارگی معماری گذشته است. از نگاه موراتوری‌ها معلم اصلی انسان در ساخت‌وساز،

پیشینه‌ای که به فراموشی سپرده شده و جایگاهی مناسب در معماری ایران نیافته است (هاشم‌نژاد و مولانایی، 1387: 18). درباره معماری این منطقه شمار پژوهش‌ها اندک است. در ادامه به برخی اشاره می‌کنیم. امور بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال‌های 1364 تا 1389 پژوهش‌هایی در شناخت و معرفی گونه‌های معماری روستایی منطقه غرب کردستان به پایان رسانیده که حاصل آن انتشار کتاب گونه‌شناسی مسکن روستایی استان کردستان است. در این کتاب حدود 40 نمونه روستای استان کردستان را برگزیده و سکونتگاه‌های دره تفی، گاگل و نژمار از مناطق غربی را بررسی نموده‌اند.

در این پژوهش‌ها به دلیل گستردگی محدوده، از هر سکونتگاه یک پلان برای نمونه ترسیم کرده و قرارگیری فضاهای کالبدی را بررسی نموده‌اند.

هاشم نژاد و مولانایی (1387) در پژوهشی بر بنیاد توپوگرافی، به دسته‌بندی کلی روستاهای منطقه پرداخته‌اند: 1. رده کوهستانی با شیب تند 2. رده کوهپایه‌ای با شیب متوسط 3. رده دشتی با شیب ملایم. زارعی (1381) معماری این مناطق را در دو دسته معماری اصیل و معماری تأثیرگرفته جای داده است. از نمونه‌های خارجی که سعی در بررسی و گونه‌بندی معماری سنتی داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. نورالدین هوشیار¹ (2012) در پژوهشی در معماری کردستان عراق ضمن اشاره به نادیده گرفتن معماری سنتی و معرفی نمونه‌های موفق توجه به معماری محلی و تنوع فرهنگی در شهر اسلو، در تحلیلی از معماری سنتی شهر اربیل عراق به تقسیم‌بندی مسکن بومی به سه گونه کوچک و بزرگ و متوسط پرداخته‌است. حسینی و همکاران² (2012) در پژوهش دیگری در خانه‌های مالایی کشور مالزی ضمن تقسیم‌بندی این

طبیعت است. نحوه ثبت، درک و پردازش اطلاعات دریافتی از طبیعت به ضمیر انسان بستگی دارد. از نگاه مدرسه موراتوری انسان دارای دو ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه است. ضمیر ناخودآگاه انسان محل پذیرش اطلاعات معمار است. در گذشته، طبیعت در وهله نخست و سپس اساتید معمار و محیط فرهنگی اطلاعات مربوط به ساخت را به ضمیر ناخودآگاه معمار انتقال می‌دادند و او با بهره‌گیری از آن‌ها اقدام به ساختن می‌نمود (همان، 178).

پیوستگی در معماری گذشته به دلیل بهره‌گیری معماران از ضمیر ناخودآگاه بوده و یکی از دلایل مهم گسستگی کاربرد ضمیر خودآگاه در معماری است (همان، 179). منظور از ذهنی در عنوان این مقاله نیز ضمیر ناخودآگاه است. دلیل دیگر همارگی نحوه آموزش معماری و روش انتقال آن بوده است. معماری نسل به نسل انتقال می‌یافت و در هر مقطع زمانی و در هر مکان، معمار با رجوع به این تجربیات می‌ساخت. این را می‌توان به نوعی "میراث فرهنگ معماری" در ضمیر ناخودآگاه معمار دانست. میراث فرهنگی معماری از نظر موراتوری‌ها دارای ارزش‌های گونه‌شناسانه بود. ذهن انسان همه چیز را در طبیعت می‌بیند و هیچ چیز را خود خلق نمی‌کند ولی با طبیعت اطراف خود رابطه‌ای ناخودآگاه پیدا می‌کند. انسان دوره معاصر این سیستم ناخودآگاه ارتباطی را از هم گسست و این رابطه دچار مشکل شد (همان، 184-186).

معمار به وسیله مفهوم گونه و عمل براساس آن پیوند بین حال و گذشته را به وجود می‌آورده است. این پیوند به زنجیری از حلقه‌های به هم پیوسته که در طول تاریخ تکامل یافته تبدیل شده است. آنچه در زمان حال ساخته می‌شود یک حلقه از آن زنجیر است. برای عمل صحیح و مناسب در زمان حال باید حلقه‌های دیگر زنجیر را

خواند و شناخت. زنجیر کامل ترکیبی است از یک حلقه آغازین تا به حلقه کنونی که موراتوری‌ها آن را روند گونه‌شناسی می‌نامند (معماریان و طبرسا، 1393: 111).

ویژگی برجسته این نگره توجه همزمان به دو جنبه شناختی و طراحی است و به عبارت دیگر سخن جامع است. این ویژگی بیشتر به چشم می‌آید اگر توجه کنیم برخی نگره‌ها تنها شناختی‌اند و برخی تنها طراحی‌اند. در شناخت نیز به تحلیل تاریخی می‌پردازد و می‌کوشد الگوها (بن‌مایه‌ها) و به‌واقع معماری درخور هر جا و مردمانش را در طول زمان دریابد و گرد تاریخ از آن‌ها برگردد. دریافت معماری درخور هر جا، نسبتی با آنچه بانام حس مکان به یاد می‌آید در خود دارد. از این روی با تفاوت‌هایی یادآور آن است.

از سوی دیگر روشن است که در این نگره بنا و یا سکونتگاه تنها کالبد نیست بلکه هم‌زمان تحقق ذهنیت و روان (ناخودآگاه جمعی) آدمیان نیز است، نمی‌توان از کالبد تنها و یا ذهنیت تنها گفت و از این روست که ذهنی-کالبدی بررسی می‌کند.

مراحل گونه‌شناسی (روش تحقیق)

این روش مبتنی بر سه مرحله است: انتخاب مکان (منطقه)، مقیاس و روند گونه‌شناسی. گونه‌شناسی بدون انتخاب منطقه بی‌معناست و در گردآوردن سکونتگاه‌ها زیر نام منطقه باید تیزبین بود. مقیاس گونه تعیین می‌کند که به گونه شهرها پردازیم یا روستا و ساختمان و ... گونه‌شناسی روندی قیاسی-کاهشی (پیرایشی) دارد تا گونه‌های پایه را دریابد. نخست با مقایسه به دسته‌بندی موضوعات می‌پردازد و سپس در هر دسته با کاستن افزوده‌ها و پیرایش آن‌ها الگو را درمی‌یابد.

انتخاب مکان

این تحقیق به منطقه اورامان، شهر اورامان و قسمت‌هایی از سکونتگاه‌های روستایی میوان، کامیاران

اورامان مطالعه شد که هنوز معماری پیشین خویش را دارد (مقیاس شهری). بقیه نمونه‌ها از میان سکونتگاه‌های روستایی انتخاب شد (مقیاس روستایی). انتخاب نمونه‌های معماری در روستاها بر بنیاد قدمت و تنوع شکل است (مقیاس ساختمانی). جدا از مقیاس شهر و روستا و بنا در روند گونه‌شناسی در مقیاس مصالح و بافت هم پژوهش انجام شده است.

روند گونه‌شناسی

روند گونه‌شناسی با رده‌بندی بناها آغاز می‌شود که کاری شبیه غربال کردن است و در نهایت به شناخت گونه یا گونه‌های پایه می‌رسیم.

در این تحقیق داده‌ها از میان حدود یک صد سکونتگاه کوهستانی مناطق غرب کردستان با روش پیمایش میدانی گردآوری و دسته‌بندی شده است. سپس کروکی‌ها و مدل‌های سه بعدی ترسیم و مورد پژوهی شده است.

و سروآباد-ناحیه غرب استان کردستان- می‌پردازد. شهرها و روستاهای این منطقه از نظر جغرافیا، اقلیم (سرد و مرطوب)، فرهنگ، زبان، پوشش، بافت معماری و... شبیه هستند. همین شباهت‌ها است که آن‌ها را زیر نام منطقه گرد می‌آورد. با توجه به گستردگی منطقه و تعدد سکونتگاه‌ها، در مرحله اول بیست سکونتگاه از میان یک صد سکونتگاه انتخاب شد.

انتخاب این سکونتگاه‌ها با این سه معیار است:

1. معرفی شده سازمان میراث فرهنگی به دلیل بافت با ارزش (در حال ثبت ملی یا ثبت ملی شده)،
2. سکونتگاه‌هایی که پژوهشگران در مقالات به عنوان سکونتگاه دارای بافت با هویت معرفی کرده‌اند و
3. تاریخچه و قدمت سکونتگاه (جدول شماره 1).

مقیاس گونه‌شناسی

از میان شهرهای کوهستانی مناطق غرب کردستان به دلیل نبود معماری تاریخی در شهرها، تنها شهر

اورامان					کامیاران					سکونتگاه‌ها
دزلی	کماله	هجیج	بلبر	رواره	شهر اورامان	هرسین	تنگی سر	پالنگان	دولاب	درصد ابنیه قدیمی
0.4	0.7	0.7	0.6	0.6	0.7	0.5	0.4	0.8	0.6	
مریوان					سروآباد					سکونتگاه‌ها
بندول	بالک	انجیران	گله	وشکن	پایگلان	بوریدر	ژنین	گوشخانی	ژان	درصد ابنیه قدیمی
0.4	0.4	0.3	0.4	0.3	0.3	0.5	0.4	0.3	0.6	

ج 1. معرفی سکونتگاه‌های بررسی شده و بناهای سنتی. مأخذ: نگارندگان.

متراکم و در مریوان و بخش‌هایی از سروآباد، میزان تراکم کمتر می‌شود. یکی از نکات مهم در طراحی کلیه فضاها در تمامی طبقات تو در تو بودن فضاها است. این فضاها در گونه‌های اورامان و کامیاران، دارای کشیدگی شرقی-غربی (خطی) و در بقیه مناطق این کشیدگی کمتر (پلان مربعی یا L شکل) می‌باشد. با دیوارهای ضخیم (55 تا 70 سانتی‌متر) نوسان درجه حرارت در داخل بنا نسبتاً کم است (Ghobadian, 2015: 15). بازشوهای کوچک در نمونه‌های بسیار قدیمی،

یافته‌ها

الف) تعامل با طبیعت: ساخت‌وساز و معماری بیش از هر هنری با طبیعت در پیوند است. طبیعت تنها توپوگرافی نیست، بلکه اقلیم و نور نیز هست و معماری بیش از هر هنری به آنها پاسخ می‌دهد. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد سکونتگاه‌های کردستان تعامل کامل با طبیعت، تأثیرپذیری کامل از شرایط اقلیمی و نور به عنوان یکی از عوامل مهم اقلیمی است. به تأثیر اقلیم، بافت سکونتگاه‌ها در مناطق اورامان و کامیاران بسیار

عامل شیب، باعث تنوع سکونتگاه‌های تخت و پله‌ای در منطقه شده است.



ت 1. تراس‌بندی شیب زمین در روستای ژان. منبع: نگارنده اول.



ت 2. استفاده از مصالح با بافت و اندازه‌های مشابه در روستای گلین. منبع: نگارنده اول.

ب) تکنولوژی ساختمان

امروزه تنها معدودی از معماران از تکنیک‌های بومی ساخت الهام می‌گیرند. ساخته‌های بومی از انرژی، کارآمدتر و سبز بهره می‌گیرند و با منابع محلی و جغرافیا و آب‌وهوا همخوان‌اند (Rashid, 2015: 46). در غرب کردستان در نگاهی کلان سکونتگاه‌ها را می‌توان شبیه به هم انگاشت گرچه ممکن است بناها یکسان به نظر آید اما در مقیاس تک بنا فرم و اندازه و فضاهای داخلی و جهت‌گیری‌ها، متفاوت و بسیار

ساختمان‌های دارای بام مسطح، جهت‌گیری بنا رو به جنوب و شرق، فرم‌های مکعبی و فشرده و با ارتفاع کم (2.40 تا 2.60) مثال‌هایی برای تأثیر شرایط اقلیمی بر معماری بومی منطقه است. استفاده از رنگ‌های طبیعی که همخوانی کامل با طبیعت دارد و مصالح طبیعی (سنگ، الوار چوبی، گل و خشت) و پوشش‌های سبز نمونه کامل تعامل با طبیعت و اقلیم است.

تیپولوژی و توپوگرافی: معماری این منطقه برخلاف معماری مدرن که به دنبال تسطیح و پاک‌کردن بستر برای ساختمان‌سازی است، توپوگرافی را به‌عنوان نمادی از منطقه در آغوش می‌کشد. برجیدن پستی و بلندی‌ها نمادی از تکنیک جهانی است که منجر به بی‌مکانی می‌شود (Paterson, 1995). درحالی‌که تراس‌بندی سایتی دارای توپوگرافی سبب فرم پلکانی ساختمان می‌گردد و به‌نوعی اشاره به عمل "شخم‌زدن" سایت دارد (Frampton, 1981). محصول نهایی می‌تواند طیف وسیعی از فرم‌ها را در برگیرد اما در نهایت سعی بر هویت معماری و درگیر کردن حواس ادراکی ناظر خواهد داشت که گاه همین با بافت یا بوی مشابه در قالب مصالحی متفاوت اتفاق می‌افتد. در مناطق غرب کردستان دو گونه با زمین برخورد شده است: در سکونتگاه‌هایی که شیب زیاد است از روش پله‌پله کردن و تراس‌بندی شیب استفاده شده است (تصویر شماره 1) این شیوه در کشاورزی و باغبانی منطقه نیز (سکو) مرسوم است. در سایر مناطق، همچون سکونتگاه‌های مریوان و بخشی از سکونتگاه‌های سروآباد که شیب زمین کمتر است، زمین تسطیح می‌شود ولی با استفاده از مصالح با بافت و رنگ و اندازه‌های مشابه، طراحی فضاها با مدول مشابه، سکونتگاه‌های با تیپولوژی مشابه و منسجم شکل می‌گیرد (تصویر شماره 2). بنابراین

پ) توجه به شنوایی و بساوایی و بویایی در کنار بینایی (مقیاس مصالح و بافت آن‌ها)

معماری دارای ظرفیتی عظیم برای تجربه شدن با تمامی نظام حسی انسان است یعنی حس‌هایی غیر از حس بینایی در درک معماری نقش دارند. جریان هوا، اکوستیک، دمای پیرامونی و بو، همه این‌ها بر تجربه ما از فضا تأثیر گذارند.

معماری باید با حس‌های دیگری جز حس بینایی نیز درک شود که این در تضاد با راسیونالیسم (خردورزی) است که در دوران رنسانس در قرن پانزدهم با تأکید بر چشم‌انداز یا پرسپکتیو شروع شد (Frampton, 1987: 384).

کاربرد مصالح بومی در اندازه، جنس، بافت و گاهی رنگ متنوع است، مصالح عمده سکونتگاه‌های مریوان در طبقه همکف سنگ و در طبقات بالا خشت، کاهگل و چوب است. سکونتگاه‌های کامیاران و اورامان را تنها با سنگ و چوب ساخته‌اند. حتی ساختمان‌های چهار طبقه سنگی در منطقه اورامان احداث شده است. تجربه حضور در مکان و لمس مصالح سخت و زبر سنگ‌ها و نرم و صاف خشت‌ها، حس بساوایی را به میدان می‌خواند. راه رفتن در مسیرهای متنوع و پلکانی که از فضاهای باز و بسته هم چون دالان، گاه با دید به سکونتگاه و گاه نیز با دیدن چشم‌اندازهای طبیعی همراه است حس سلامتی و غنای بصری را موجب می‌شود. همیشه موسیقی‌های طبیعی همچون نوای جریان آب و آوای پرندگان به گوش می‌رسد. موسیقی‌هایی چون صدای راه رفتن بر سنگ و کاهگل بام و نیز خزان درختان یا تأثیر حس بویایی مصالح خشت و کاهگل در روزهای بارانی یا آفتابی تجربیات منحصر به فردی خلق می‌کند (رحمانیان، 1393). به‌طورکلی امکان اغنای حس‌های دیداری، شنیداری، بویایی و بساوایی در

متنوع‌اند. در این سکونتگاه‌ها در طول تاریخ فرم‌های مکعبی با بام‌های مسطح شکل گرفته است ولی در هر دوره زمانی - فرهنگی سازه‌های جدید را برای توسعه آن به خدمت گرفته‌اند (رحمانیان، 1393). شکل‌گیری سازه و معماری بنا به نحوی که این دو مکمل یکدیگر باشند به زیبایی فرم در بیرون و فضاهای داخلی کمک شایانی نموده است. شرایط سخت محیطی و محدودیت‌های اقتصادی ساکنین، سبب پرهیز از بیهودگی در فرایند ساخت گردیده است تا با کمترین امکانات بتوانند در مقیاس تک بنا جوابگوی نیازهای ساکنین باشند. نمایش قسمت‌ها و جزئیات بنا در عین شکل دادن به کارکرد بنا به زیبایی بناها نیز کمک نموده است. شبکه به‌هم تنیده پوشش سقف در ایوان‌ها، خشکه چینی دیوارهای سازه‌ای، گاه تا دو طبقه با سنگ چینی منظم و تیشه‌کاری هنرمندانه با تنوع رنگ و مصالح بومی، ساخت دیوارهای مشبک با پوشش گلی برای جداسازی دیوارهای انباری، سرویس بهداشتی و حمام، پوشش‌های مشبک در فضاهای هم چون تنور برای تهویه، نمایشگر پیوند سازه و معماری است (تصویر شماره 3). به‌طورکلی تفاوت مصالح و تعداد طبقات باعث تنوع در معماری سکونتگاه‌ها گردیده که تنوع گونه‌بندی مسکن را در پی داشته است.



ت 3. اتصال نعل درگاه چوبی به ستون چوبی، دیوارهای مشبک (در زبان محلی تیمان)، استفاده از شبکه مدولار در بازشوها. منبع: نگارنده اول.

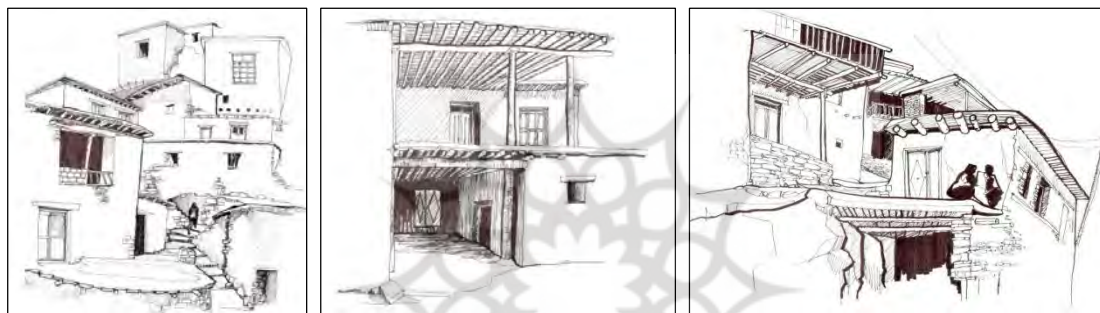
همه جا هست اما اغنای حس دیداری در سکونتگاه‌های پرشیب همچون کامیاران، اورامان و بخش‌هایی از سروآباد، به دلیل تنوع و گستردگی منظره بیشتر است.

ت) فضای باز، نیمه باز و بسته (مقیاس بنا)

از ویژگی معماری این مناطق تنوع فضاهای باز و نیمه باز است. بالکن‌ها، بالکن پشت بام‌ها (بربان)، ایوان‌ها و حیاط‌ها. این فضاها جای گفتگو، نشستن، گذران اوقات فراغت و امور روزانه زنان است. سلسله مراتب از باز تا بسته مورد توجه بوده است (تصویر شماره 4).

استفاده از بام هر خانه به عنوان حیاط خانه بالایی

در نوعی از گونه‌ها باعث شکل‌گیری منظری زیبا برای ساکنان روستا جهت مشاهده طبیعت و سکونتگاه‌های اطراف شده است. سکوها و ایوان‌ها در قسمت ورودی خانه‌ها سرپناهی امن فراهم می‌نماید. بام‌ها و این ایوان‌ها هم محلی است برای اهل خانه و هم محل انتظاری برای کسی که به ملاقات اعضای خانه آمده و می‌توان گفت عملکردی شبیه هشتی در معماری مناطق مرکزی ایران دارد. تنوع فضاهای جمععی و فضاهای باز و نیمه‌باز، عامل مهمی در معماری این مناطق است.



ت 4. نمونه‌هایی از انواع فضاهای جمععی در سکونتگاه‌های کردستان. منبع: نگارنده اول.

ث) تعامل فرهنگ (تطابق ذهن و عین)

نمونه‌های بومی - محلی، مجموعه‌ای غنی از دانش معماری نه تنها در زمینه طراحی، نوآوری و تکنیک‌های پایدار بلکه در دیگر زمینه‌های نظری در خود دارند. راه‌حل‌های محلی به وضوح با فرهنگ و منطق اجتماعی مرتبط هستند (Rapoport, 2005). برای طراحی محیط مطلوب لازم است الگوهای اجتماعی و فرهنگی را دریافت. برای نمونه چاه آب مکانی است که جامعه را به شدت متحد می‌کند زیرا اینجاست که مردم هرروز یکدیگر را ملاقات می‌کنند، مشکلات را در میان گذارده، با همدردی به آرامش رسیده و احساس امنیت اجتماعی می‌کنند (Doshi, 1985: 90). یکی از ویژگی‌های فرهنگی منطقه غرب کردستان توجه به

فضاهای جمععی برای گفتگو و تعاملات اجتماعی در نمونه‌های دارای بام حیاط است. ارتباطات اجتماعی فراوان میان ساکنان سبب ایجاد عناصر مشترک همچون دالان و بام‌های مشترک قابل استفاده سکونتگاه‌های مجاور برای کارهای روزانه و گفتگو شده است. از ویژگی‌های شاخص معماری این مناطق کاربرد گسترده رنگ آبی در فضاهای درون و بیرون است که افزون بر همخوانی کامل با طبیعت، سیمایی زیبا برای سکونتگاه آفریده است. در این مناطق با توجه به توپوگرافی زمین، نقش بصری آسمان در کوهستان نسبت به نواحی هموار بیشتر است. چرا که با سربالایی‌های شدید، بیشتر نگاه‌ها به سمت بالای تپه‌ها و نوک قله‌هاست (معماریان، 1393: 52). القای حس آرامش

محل برگزاری جشن‌های سالیانه و فصلی می‌گردد. تعامل با طبیعت در این گونه به سه صورت شکل می‌گیرد: 1. استفاده از انواع گل‌ها و پوشش سبز در محل بازشوها در فضای درونی و بیرونی (استفاده مناسب از ضخامت زیاد دیوارها) و ایوان‌ها 2. استفاده از درختان بومی (توت، انگور و گردو) در محل ورودی‌ها (کاربرد مناسبی جهت سایه‌اندازی) 3. استفاده از بازشوهای با رنگ سبز و آبی. نوع برخورد با توپوگرافی سایت در این گونه، پله‌پله کردن و تراس‌بندی زمین است. تکنولوژی بومی به‌کاررفته در این گونه در نوع خود ویژه است و دیوارهای خشکه‌چین سنگی (که از معادن اطراف تراشیده می‌شود؛ مصالح بومی) تا سه طبقه بدون استفاده از ملات بالا رفته است. کاربست چوب (در زبان محلی دیمک) از درختان بومی در نمای دیوارها به انتظام رج دیوارها و کاهش نیروی کششی کمک می‌کند. ویژگی برجسته دیگر این گونه استفاده از مدول پایه در ساخت بازشوها (40 سانتیمتر) و ابعاد فضاهای درونی است. در این گونه، فضاهای داخلی به صورت تودرتو و خطی قرار می‌گیرد که درخور اقلیم بسیار سرد منطقه است (تصویر شماره 5). در نمونه‌های اورامان طبقه زیرین که در گذشته محل نگهداری دام بوده است و اکنون بیشتر به‌عنوان انبار استفاده می‌شود، دست‌کم یک متر پایین‌تر از سطح گذر قرار دارد. فضاهای اصلی نیز، همچون نشیمن (دیوان‌خانه)، رو به آفتاب و فضاهای خدماتی مانند هالچه (براوان) و سرویس و حمام در ضلع شمالی و پشت به کوه قرار می‌گیرند. دیوارهای خشکه‌چین سنگی (حس لامسه) همراه دید از ایوان و فضاهای درونی به‌کل سکونتگاه‌ها غنای کامل حسی بخشیده است. نوع معماری این گونه، برون‌گرا است.

نتیجه کاربرد گسترده رنگ آبی است (همان، 52). رنگ سبز نیز به‌دلیل بعد معنوی که برای ساکنان دارد معمولاً در بخشی از فضاهای درونی و بیرونی به کار می‌رود. عامل مهم فرهنگی دیگر برگزاری جشن‌ها و مراسم مذهبی مختلف است. پیرشالیار، کومسای و جشن نوروز که سالیانه در گرده‌مایی‌های بزرگ صورت می‌گیرد و باعث صمیمت و سرزندگی بیشتر ساکنان می‌شود. این یکپارچگی به وضوح در وحدت و انسجام معماری و ارتباط تنگاتنگ بین همسایگان مشاهده می‌گردد. انس همیشگی ساکنان این مناطق با طبیعت تأثیر چشم‌گیری در کاربست رنگ‌های شاد و ایجاد تنوع در لباس‌های کردی، مراسم آیینی، نقوش و رنگ‌های هنرهای سنتی هم چون قالی و گلیم داشته است (زارعی، 1392: 75).

از ویژگی‌های دیگر این سکونتگاه‌ها استفاده گسترده از انواع گل در محل بازشوها و بام است.

گونه‌های ساختمانی

پس از برداشت پلان، نمونه‌ها برای مقایسه و شناسایی بهتر در جدول‌هایی برای بررسی کنار هم قرار داده شدند. در پایان چهار گونه بنا با تطابق عوامل کالبدی و ذهنی شناسایی شد. در جدول شماره 2 نمونه‌ای از روند گونه‌شناسی آمده است. بناها از چپ به راست براساس تاریخ ساخت قرار گرفته‌اند. سمت راستی قدیمی‌تر است.

گونه اول: این گونه، بیشترین فراوانی را در مناطق پرشیب کامیاران و اورامان دارد. دارای فرم مکعب مستطیل و معمولاً در دو و سه طبقه با مصالح سنگ (گاهی با اندود کاهگل) و چوب احداث می‌شود. این گونه حیاط ندارد و از بام بنای زیرین به عنوان حیاط استفاده می‌کند. در برخی بام‌ها این فضای جمعی به قدری گسترده هستند که دارای کاربرد میدان شده و

			<p>گونه اول: مکعب مستطیل شکل با کشیده‌گی غربی - شرقی، از بام همسایه زیرین به‌عنوان حیاط استفاده می‌کند.</p>
			<p>گونه دوم: فرم پلکانی با سلسله مراتب از ورودی به هالچه و اتاق. از بام طبقه زیرین به عنوان حیاط استفاده می‌کند.</p>
			<p>گونه سوم: این گونه در مناطق با شیب کم، هم‌چون مریوان و سروآباد بیشتر فراوانی را دارد. حیاط و ایوان سراسری چشم‌گیرترین ویژگی این گونه است.</p>
			<p>گونه چهارم: این گونه که حیاطی کوچک در طبقه اول و بام حیاطی در طبقه دوم دارد گویی ترکیبی است از گونه‌های دوم و سوم. این گونه "L" شکل است.</p>

ج 2. نمونه‌ای از پلان‌های بررسی شده. منبع: نگارندگان.

طبقه اول سنگی و طبقه دوم خشتی است (تصویر شماره 7).

بافت چوب و سنگ و دیوارهای خشتی، دید به حیاط و اطراف در این گونه، حواس را اشباع می‌کند. قرار فضاها این گونه است: نشیمن و خواب رو به حیاط، خواب دوم و آشپزخانه در ضلع شمالی و سرویس معمولاً در حیاط. سلسله عنوان فضای نیمه‌باز از نیمه درون‌گرا بودن این گونه نشان دارد. درختان میوه حیاط، پوشش سبز ایوان‌ها و مصالح بومی تعامل مناسب با طبیعت را سبب شده است.

این گونه بیشترین مساحت را نسبت به سایر گونه‌ها دارد (تصویر شماره 8).

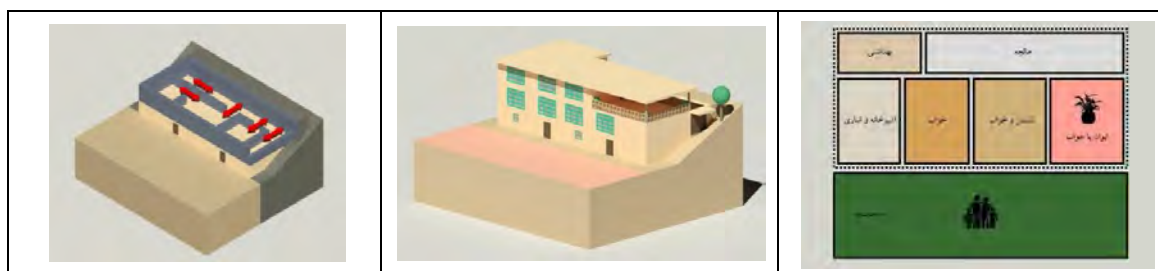
گونه چهارم: این گونه که حیاطی کوچک در طبقه اول و بام حیاطی در طبقه دوم دارد، گویی ترکیبی است از گونه‌های دوم و سوم. این گونه "L" شکل است. حیاط و بام این گونه موجب تنوع معماری آن شده است. این گونه در بستری با شیب کم دیده می‌شود. معمولاً فضاهای خدماتی (آشپزخانه، سرویس و هالچه) در کنج قرار می‌گیرد و نشیمن و اتاق خواب اصلی رو به حیاط و بام. طبقه هم‌کف انبار است. در این گونه بالکن سه کارکرد دارد: 1. محل خشک کردن محصولات کشاورزی (عملکردی)، 2. گردهمایی خانواده، 3. باغچه کوچک. تعداد طبقات این گونه دو تاست که از سنگ یا خشت یا ترکیب این دو ساخته می‌شود.

تنوع رنگ و بافت مصالح سنگی و منظر بام حواس را به زیبایی فرامی‌خواند. معماری این گونه نیمه برون‌گرا است (تصویر شماره 9).

گونه دوم: این گونه، همچون گونه اول بدون حیاط است اما به شیوه پلکانی، به طوری که طبقه اول به عنوان حیاط کار می‌کند، با این تفاوت که در این گونه بام خصوصی است. قرارگیری انواع گل‌ها و معمولاً درخت انگور (نقش باغچه) در بام طبقه اول و رنگ سبز بازسوها نقش مهمی در تعامل با طبیعت در این گونه بازی می‌کند. این حیاط محل گفتگو، نشستن و گذراندن اوقات فراغت و تعاملات اجتماعی ساکنان است. دید مناسب از بام به طبیعت و سکونتگاه‌های اطراف و بوی فرح‌بخش باغچه بام، پاسخگوی حس بینایی و بویایی است. تفاوت دیگر این گونه، نوع مصالح است که معمولاً طبقه اول از سنگ است و طبقه دوم از خشت (مصالح بومی).

کاهش وزن مصالح بار وارد بر طبقه زیرین را کمتر می‌کند. فرم پلان در این گونه، مربع شکل و فضاها در سازماندهی غیرخطی و تودرتو قرار دارند (تصویر شماره 6). نشیمن و اتاق خواب رو به آفتاب و بام، آشپزخانه، هالچه، انباری و سرویس در جبهه شمالی قرار دارند. طبقه هم‌کف که در گذشته محل نگهداری دام و علوفه بوده اکنون در روستاهای بسیاری به انباری تبدیل شده است. معماری این گونه به صورت برون‌گرا است.

گونه سوم: این گونه در مناطق با شیب کم، همچون مناطق مریوان و سروآباد، بیشترین فراوانی را دارد. حیاط و ایوان سراسری چشمگیرترین ویژگی این گونه است. ساخت ایوان‌ها با استادی تمام است. معمولاً دو تیر اصلی که یکی بر دیوار است و دیگری بر ستون‌ها کار نگهداری شبکه‌های درهم تنیده تیرهای فرعی را بر عهده دارند. پوشش سقف ایوان‌ها نیز تیرکوبی و با اندود کاهگل است.



ت 5. پلان به همراه عناصر تشکیل دهنده، بام همسایه و ارتباط فضاهای داخلی در گونه اول. منبع: نگارندگان.



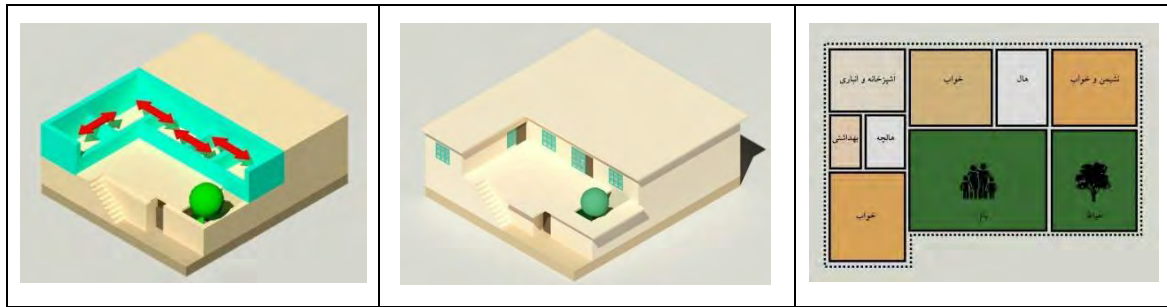
ت 6. پلان به همراه عناصر تشکیل دهنده و ارتباط فضاهای داخلی در گونه دوم. منبع: نگارندگان.



ت 7. تکنولوژی بومی ساخت ایوان‌ها به همراه تنوع بافت خشتی در سکونتگاه بالک. منبع: نگارندگان.



ت 8. پلان به همراه عناصر تشکیل دهنده و ارتباط فضاهای داخلی در گونه سوم. منبع: نگارندگان.



ت 9. پلان به همراه عناصر تشکیل دهنده و ارتباط فضاهای داخلی در گونه سوم. منبع: نگارندگان.

اشاره کرد که صرفاً در آن مصالح بومی (سنگ و چوب) و تکنولوژی نو به کار رفته است.

نتیجه

در پژوهش‌های قبلی هدف از بررسی سکونتگاه‌های کردستان بیشتر ارائه الگوی با هویت روستایی برای توسعه آتی بوده است. تأکید بر عوامل کالبدی، بی‌توجهی به سایر عوامل غیر کالبدی و نیازهای جدید ساکنان از دلایل بی‌اعتنایی بومیان به این گونه‌ها است. در سال‌های اخیر بیشتر به تقلید از الگوهای بی‌هویت شهری ساخته‌اند بنابراین در این پژوهش با استفاده از مفاهیم گونه‌شناسی، گونه‌ای معماری بر بنیاد الگوهایی از معماری منطقه غرب کردستان، با همان ساختاری کالبدی - ذهنی، معرفی شد که پیوند میان گذشته و اکنون را در خود دارد. لازم به توضیح است که تأثیر اقلیم بر فرم و ارتفاع و جانمایی‌ها، شیب سایت، مصالح بومی و طبیعی عوامل اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌ها بوده‌اند. از ویژگی‌های این معماری علاقه به طبیعت، کاشت گسترده گل و درختان میوه و قرارگیری بر شیب بادید به طبیعت و سایر بناهاست. نیاز ساکنان

تحلیل معماری معاصر مناطق غرب کردستان: در حالی که عناصر با ارزش معماری همراه تکنولوژی‌های بومی در کنار تکنولوژی و مفاهیم معاصر الهام‌بخش نوآوری در سکونتگاه‌های روستایی و شهری این مناطق است، نه تنها فضاهای شهری این مناطق خالی از بناهای منطقه‌گرا است بلکه با ورود معماری بی‌هویت به شهرها الگوی معماری این سکونتگاه‌ها به سرعت در حال نابودی است. بی‌توجهی به فرهنگ، سیما، بستر سایت و اقلیم از بافت‌های جدید هویت‌زدایی کرده است. مصالح ناهماهنگ، ساخت بناهای بدون تناسب با سیمای بصری و کالبدی و نبود فضاهای متنوع، معماری بی‌روحي را پدید آورده است. گزارش پژوهشگران از رشد ساخت ساختمان‌های بی‌هویت و تخریب بناهای با ارزش حکایت دارد. دوری از الگوهای بومی و روی آوردن به الگوهای جدید، روابط و سازمان فضایی واحدهای مسکونی را دگرگون کرده و باعث ناهماهنگی آن با نیازهای زیستی روستاییان شده است (سرتیپی پور، 1388). متأسفانه در فضاهای شهری این مناطق نشانی از منطقه‌گرایی نیست تنها شاید بتوان به هتل و مسجد جامع شهر اورامان

به فضاهای جمعی برای گفتگو و استراحت در هوای خنک و کارهای روزانه زنانه، فضاهای نیمه‌باز را به‌عنوان فضاهای جمعی برگزیده است. فضاهایی که به دلیل هم‌خوانی سکونتگاه‌ها با شیب و پله‌ای بودن دید گسترده‌ای دارند. کاشت انواع گل‌های بومی و رنگ‌آمیزی بازشوها و بخش‌هایی از فضاهای داخلی همچون درها و دیوارها با آبی و سبز برای آرامش بیشتر بوده است. البته بخشی از ساکنان نیز رنگ سبز را به جنبه‌های معنوی مرتبط می‌دانند. الگوهایی که دارای عناصر اصیل و باهویت معماری هستند نه تنها در طراحی معماری باهویت روستایی بلکه در شکل‌گیری معماری منطقه‌گرا در فضاهای شهری نیز می‌توانند راهنمای معماران باشند. کاری که در بسیاری از کشورهای با گذشته معماری ارزشمند مانند هند و ژاپن شده است. بنابراین تطابق ویژگی‌های فرهنگی و کالبدی در شکل‌گیری این سکونت گاه وجود داشته است. استفاده‌کنندگان از این الگوها به حفظ این فضاهای جمعی و مصالح بومی اشاره داشته‌اند. گسترش مساحت فضاها و استفاده از تکنولوژی جدید در سازه که

هماهنگی بافت را برهم نزند خواسته بیشتر ساکنان در ساخت سکونتگاه‌های جدید است.

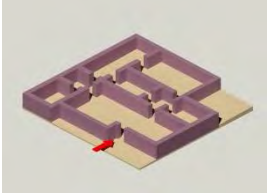
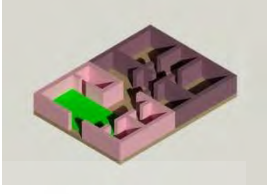
بررسی نگارندگان نشان داد توجه به انواع فضاهای جمعی (بربان، بانچه، تراس، دالان و بام حیاط)، تنوع رنگ در فضاهای داخل و خارج هماهنگ با طبیعت منطقه، تناسبات و وحدت سیما، تعامل با طبیعت، توجه به انواع حس‌ها در کنار توجه به دیدن و تکنولوژی‌های جدید هماهنگ با بافت منطقه می‌تواند راهنمای طراحان در این مناطق باشد.

نتیجه این پژوهش چهار گونه معماری در مقیاس بنا را در این سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد. گونه نخست که فراوانی بیشتری دارد، مکعب مستطیل شکل است و بدون حیاط که معمولاً سه طبقه بلند دارد. گونه دوم نیز حیاط ندارد اما پلکانی است. معماری این دو گونه برون‌گراست. ساختمان‌های گونه سوم از دو گونه پیشین بزرگترند، با حیاطی بزرگ.

گونه چهارم "L" شکل است و حیاطی کوچک و فرعی دارد. معماری نیمه برون‌گرا ویژگی این دو گونه است (جدول شماره 3).

فضاهای اصلی	شیب و بنا	ابعاد و اندازه	گونه
<p>بام حیاط: بام همسایه حیاط است و عمومی. اتاق: در جبهه جنوبی است با میانگین ابعاد 2.9 در 4.9 و تاقچه‌های به عمق 40 سانتی‌متر. کف پنجره‌ها گلدان می‌گذارند. تنور: معمولاً بیرون از خانه و مشترک است. بام: بی‌جان‌پناه با پوشش کاهگل (اخیراً پوشش‌های قبری)</p>	 <p>به دلیل شیب تند، پله‌ای ساخته‌اند، طبقه اول در دل زمین جای دارد.</p>	<p>در این گونه مساحت متوسط هر طبقه 120 مترمربع است. معمولاً دو تا سه طبقه ارتفاع دارد. ارتفاع اتاق‌ها 2.4 و پنجره‌ها نصف مساحت دیوار است.</p>	گونه اول
<p>فضای باز: بخشی از طبقه اول بالکن بزرگی است که باینجه نام دارد؛ محل گفتگو، نشستن و گذراندن اوقات فراغت و تعاملات خانوادگی است. هالچه: فضای میان ورودی و اتاق اصلی است. اتاق: با پنجره‌هایی به جنوب و دسترسی به بام حیاط، پنجره‌ها بیشتر سبز رنگ است. آشپزخانه: با انبار در ضلع شمالی و سمت کوه قرار می‌گیرد. بام: بی‌جان‌پناه با پوشش کاهگل (اخیراً پوشش‌های قبری)</p>	 <p>چون شیب زمین نسبتاً تند است طبقه اول در دل زمین جای دارد. در زمستان گرم است و در تابستان خنک.</p>	<p>در این گونه مساحت هر طبقه حدود 100 مترمربع است، دو طبقه؛ طبقه اول از سنگ و طبقه دوم از خشت. ارتفاع اتاق‌ها 2.4 است.</p>	گونه دوم

ج 3. بررسی شیب سکونتگاه‌ها و معرفی فضاهای اصلی.

فضاهای اصلی	شیب و بنا	ابعاد و اندازه	
<p>حیات اصلی: درخت دارد و باغچه. تنور: معمولاً در گوشه حیات. بام: بی جان پناه با پوشش کاهگل (اخیراً پوشش های قیری) آشپزخانه: کنار ورودی؛ به هالچه راه دارد. اتاق: رو به حیات با تاقچه های عمیق. نیمه باز: ایوان چوبی که در تابستان جای نشستن، خوردن و خوابیدن است. درختان میوه و سبزی ایوان ها و مصالح بومی مکان را تکه ای از طبیعت کرده است. فضای باز: در طبقه پایین آبریزگاه است و انبار؛ غروب هم دلنشین است برای نشستن و محصولات کشاورزی را در این محل خشک می کنند.</p>	 <p>چون شیب زمین کند است مساحت طبقه اول بیشتر از دو گونه پیشین است.</p>	<p>مساحت متوسط هر طبقه 220 مترمربع است؛ دوطبقه. ارتفاع اتاق ها 2.5</p>	<p>گونه سوم</p>
<p>حیات فرعی: جای دام است. فضای باز: بخشی از طبقه اول بالکن کوچک (بانچه) است. آشپزخانه: با انبار معمولاً در گوشه فرم L قرار دارد. بام: بی جان پناه با پوشش کاهگل (اخیراً پوشش های قیری)</p>	 <p>زمین شیب چندانی ندارد. ارتفاع طبقه اول بین 2.1 تا 2.2 است، به گرمایش در زمستان کمک می کند.</p>	<p>مساحت متوسط هر طبقه 180 مترمربع است؛ دوطبقه. ارتفاع اتاق ها 2.5</p>	<p>گونه چهارم</p>

ادامه ج 3. بررسی شیب سکونتگاه ها و معرفی فضاهای اصلی.

فهرست منابع

- حبیب، فرح؛ حسینی، اکرم. (1389)، تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده جهانی شدن، نشریه هویت شهر، شماره ششم، صص 29-38.
- حنفی، علی؛ حاتمی، ایرج. (1394)، تهیه نقشه اقلیمی کردستان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه علمی-پژوهشی سپهر، شماره 77، صص 24-27.
- خدادادی، محمدرضا. (1394)، گونه شناسی مسکن روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول: تهران.
- رحمانیان، یاسر؛ هاشم نژاد، هاشم؛ فیضی، محسن. (1393)، تحلیل معماری بومی منطقه اورامانات با اصول منطقه گرایی انتقادی کنت فرامپتون، کنفرانس بین المللی روش های نوین طراحی و ساخت معماری زمین گرا، تهران.
- زارعی، ابراهیم. (1392)، آثار فرهنگی باستانی و تاریخی استان کردستان، تهران: نشر سبحان نور.

تشکر و قدردانی

ضروری است از دانشگاه آزاد اسلامی و کلیه استادان و صاحب نظرانی که در طول مدت تحصیل نویسنده اول در دوره دکترا در دانشکده مهندسی واحد زاهدان با راهنمایی و همراهی شان تسهیل گر انجام این پژوهش بوده اند تشکر گردد. همچنین قابل ذکر است قسمت های مرتبط با نویسنده مسئول در این تحقیق با حمایت مالی دانشگاه زابل انجام شده است.

شماره گرت: UOZ-GR-9517-11

پی نوشت

1. Nooraddin, Hoshiar
2. Hosseini, et all
3. Rashid, Mamun

- زارعی، محمدابراهیم. (1388)، سیمای میراث فرهنگی کردستان، تهران: اداره کل آموزش و انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سالم، محمددانا؛ دژدار، امید؛ فروتن، منوچهر. (1391)، منطقه‌گرایی انتقادی: رویکردی در بررسی تعامل معماری و بستر فرهنگی، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری: تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1388)، آسیب‌شناسی معماری روستایی: به سوی سکونتگاه مطلوب، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: انتشارات شهید بهشتی.
- شایان، حمیدرضا. (1387)، معماری در دنیای چند جهانی، فصلنامه هنر، شماره دوم، صص 129-132.
- طوسی، مریم؛ فیض‌آبادی، محمود. (1395)، کاربردی منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران.
- معماریان، غلامحسین. (1384)، سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، تهران.
- معماریان، غلامحسین؛ طبرسا، محمد علی. (1393)، گونه و گونه‌شناسی در معماری، معماری و شهرسازی ایران، شماره 6، صص 103-114.
- معماریان، غلامحسین؛ عظیمی، سیروان؛ کبودی، مهدی. (1393)، ریشه‌یابی کاربری رنگ آبی در پنجره‌های ابنیه سنتی مسکونی (نمونه موردی: ابنیه مسکونی اورامان)، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره 3، صص 46-60.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ سعادت‌جو، پریا. (1390)، هویت‌گرایی در معماری معاصر کشورهای اسلامی، نمونه موردی: عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره 3، صص 75-92.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ جعفری، فاطمه. (1392)، تعامل و تقابل منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن در معماری معاصر، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره اول، صص 59-74.
- مولانایی، صلاح‌الدین؛ سلیمانی، سارا. (1392)، بازشناخت مؤلفه‌های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور، نمونه موردی: اورامان کردستان، معماری و شهرسازی ایران شهر، شماره 17، صص 115-127.
- نقی‌زاده، محمد؛ طغیانی، شیرین. (1390)، ضرورت مدیریت بحران‌های هویتی در فضاهای شهری، هویت شهر، شماره 9، صص 73-82.
- هاشم‌نژاد، هاشم؛ مولانایی، صلاح‌الدین. (1387)، معماری با نگاهی به آسمان، سکونتگاه‌های روستایی-ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس (منطقه کردستان)، نشریه هنرهای زیبا، شماره 36، صص 17-26.
- Doshi, B. V. (1985), Cultural Continuum and Regional Identity in Architecture, originally published in Regionalism in Architecture, pp 87-91.
- Ghobadian, V. (2015), Shape of Sustainable Houses in Iran: A Climatic Analysis, Journal of Natural Sciences, No.3.
- Ghobadian, V. (1996), Analyzing Iran's traditional structures from a climatic perspective. Tehran, Iran: Tehran University press.
- Hosseini, E; Mursib, G. and Nafida, R. (2012), Design Values in Traditional Architecture: Malay House, International Seminar on Vernacular Settlements, April, 19-21
- Frampton, K. (1981), Towards a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance. In the Anti-Aesthetic Essays on Postmodern Culture, edited by Hal Foster. Seattle: Bay Press.
- Frampton, K. (1987), Ten Points on an Architecture of Regionalism: Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition: Vincent B. Canizaro, editor, Princeton Architectural Press, New York, pp 375-385.
- Kasmaei, M. (1993), Climate zoning in Iran, housing and residential environments. Building and housing research centre, Tehran, Iran.
- Nooraddin, H. (2012), Architectural Identity in an Era of Change, Developing Country Studies, No.10
- Pourvahidi, P. (2010), Bioclimatic Analysis of Vernacular Iranian Architecture. Gazimagusa, North Cyprus: Eastern Mediterranean University.
- Paterson, S. (1995), Critical Analysis of "Towards a Critical Regionalism" by Kenneth Frampton.
- Rapoport, A. (2005), Culture, Architecture, and Design, Architectural and Planning Research Book Series, Locke Science Pub. Co, Chicago.
- Rashid, M. and Ara, D. R. (2015), Modernity in Tradition: Reflections on Building Design and Technology in the Asian Vernacular, Frontiers of Architectural Research, pp 46-55.
- <https://doi.org/10.22034/38.165.33>